

شناسنامه



هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری – تحلیلی
صاحب امتیاز: سودابه آزادگان

مدیرمسئول و سردبیر: کیانوش رستمی

نشانی: خرم آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت آسمان، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۰۵

تلفن: ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۰۴، دورنگار: ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۴۱

پیام‌تکار: seymare83@yahoo.com تارنما: www.seymare.com

تلگرام: @seymareweekly

لیتوگرافی و چاپ: پیام‌سانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۷۳۱

توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.

۴

استاندار لرستان در جلسه‌ی کمیسیون ماده‌ی ۵ استان اظهار داشت‌اند: با توجه به ناکافی و محدودیت زمین در دره‌ی خرم‌آباد اجازه دادیم مردم از تراکم بیش‌تری با رعایت عرض معبر و اصول شهرسازی استفاده کنند.

در این حیطه، ذکر چند نکته را خارج از موضوع نمی‌دانند؛ نکته‌هایی که پیش‌تر نیز نگارنده چندبار زیر عنوان‌های مرتبط، در مطبوعات مطرح کرده‌است.

بر این پایه:

در این جلسه به مسئله‌ای اشاره شده که راه‌حل آن در صورت‌مسئله مستتر است؛ این‌که با عنایت به مورفولوژی دره‌ی خرم‌آباد، زمین کافی برای پاسخ‌گویی به نیاز جمعیت آن وجود ندارد و باید برای حل مسئله، تدبیری کرد؛ ولی این‌که تدبیر، در افزایش تراکم خلاصه می‌شود یا گزینهِی نهایی که ساخت شهر جدید است مورد تأکید قرار گیرد، در‌خور بحث است. بدین‌ترتیب:

۱– بررسی آن‌چه در این دره اتفاق افتاده مبین آن است که استفاده از تراکم بیش‌تر، برای حل مشکل کمبود زمین راه‌حلی کوتاه‌مدت است که هیچ نگاه راه‌بردی بلندمدت آن را پشتیبانی نمی‌کند چراکه این شیوه‌ی تصمیم‌گیری، به بلندمرتبه‌سازی‌هایی به ظاهر «رعایت شده در عرض معبر و اصول شهرسازی» و در عمل، گاه به فرارگاه‌هایی چون کمیسیون ماده ۱۰۰ منجر می‌شود که هم‌اکنون نیز گلولی محله‌های زیادی از شهر را می‌فشارد؛ با روندی که در نهایت به بن‌بستی ترازدیک منتهی خواهد شد.

دکتر آخوندی وزیر راه و شهرسازی پیشین در سفر به خرم‌آباد ضمن انتقاد از این الگوی بدقواره‌سازی شهرها و نقش کمیسیون‌های ماده ۵ در شکل‌گیری این مدل می‌گوید: باید در این روش تجدیدنظر کنیم و سکونت‌گاه‌ها و مکان‌های متصل از شهرهای بزرگ ایجاد کنیم. وی اضافه می‌کند: در خرم‌آباد نیاز به توسعه‌ی ساختمان‌های بلندمرتبه نیست ...

در واقع دکتر آخوندی الگویی را مورد نظر قرار داده‌است که استان‌های دیگر که حتا کمبود زمین هم ندارند، پیش از آن‌که گره دست را به دندان بسپارند، با بهره‌گیری از آن از طریق ساخت شهرهای جدید به نیاز سرریزهای جمعیتی خود پاسخ داده‌اند و این در حالی است که چنین دیدگاهی بارها در مطبوعات استان نیز مطرح شده ولی گوش شنوایی نیافته است؛ بارها گفته‌شده‌است: به جای خفه کردن بیش‌تر شهر و حذف فضاهای تنفس‌گاهی آن، در کنار تخریب منابع طبیعی کم‌ماند این دره، با مدل بارگذاشتن‌های غیرقابل تاب‌آوری؛ باید توسعه‌ی پایبوسته و اقماری، جایگزین فشارهای توجیه‌ناپذیر و اصرار بر ورم کردن پیوسته و ویرانگر شود. ضمن این‌که تأکید گاموبی‌گاه بر افزایش تراکم، عملاً اولویتِ ساختِ شهر جدید را به حاشیه می‌برد.

۲– شایه‌است در کوچه‌پس‌کوچه‌های کم‌عرض این شهر بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های امدارسانی و پدافند غیرعامل از جمله نخوهی مهار جمعیت، فرار و نجات ساکنان و ... ساخت‌وسازهای متراکم و بی‌فاصله می‌سازند که مصداقی است روشن بر ریسک تجمعی، در صورت وقوع حادثه یا سانحه و به عینه حذف عرصه‌ی کافی برای امدارسانی است.

توجه تنها به همین یک‌مورد، گواهی است بر این‌که افزایش تراکم، یک عنوان انتزاعی نیست بلکه رنگین‌کمائی از کارکردها و بُردارهای گاه مختلف‌الجهت، پشت آن صف کشیده‌اند؛

ادامه‌ی سوماقاله از صفحه‌ی نخست

این حادثه نشان داد که ناآگاهی مردم، به‌ویژه جوانان، از خطرات فضای سایبری و ضعف در سواد رسانه‌ای، بخش مهمی از زمینه‌ی سواستفاده مجرمان را فراهم می‌کند.

پیش‌گیری از تکرار چنین وقایعی فقط با برخورد قضایی ممکن نیست، بلکه نیازمند آموزش مستمر، گفت‌وگو، صریح در خانواده، تقویت مهارت‌های امنیت دیجیتال و افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

فرجام سخن

ماجرای این کاتال تلگرامی یک هشدار جدی است؛ در عصر رسانه، ناآگاهی می‌تواند به اندازه جرم ویرانگر باشد. اگر خانواده‌ها، نهادهای آموزشی و رسانه‌ها آموزش سواد رسانه‌ای را جدی نگیرند، قربانیان بعدی نیز دور از انتظار نخواهند بود. پیش‌گیری از این آسیب‌ها، تنها با فیلتر و برخورد قضایی ممکن نیست؛ جامعه بیش از هر زمان دیگری به آگاهی، گفت‌وگو و آموزش نیاز دارد.

هفته‌نامه‌ی فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، هنری با روش خبری – تحلیلی صاحب امتیاز: سودابه آزادگان

مدیر مسئول و سردبیر: کیانوش رستمی

نشانی: خرم آباد، خیابان علوی، مجتمع هفت آسمان، طبقه ی سوم، واحد ۳۰۵

تلفن:۰۶۶۳۳۴۰۷۰۰۴، ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۴۱
دورنگار: ۰۶۶۳۳۴۰۷۰۴۱

پیام‌تکار: seymare83@yahoo.com
تارنما: www.seymare.com

تلگرام: @seymareweekly

لیتوگرافی و چاپ: پیام‌سانه همدان، تلفن: ۰۸۱۳۴۵۸۶۷۳۱

توجه: مقالات و یادداشت‌های چاپ شده الزاماً دیدگاه سیمره نیست.

بازارهای جهانی منتظر آغاز جنگ نمی‌مانند؛ آن‌ها احتمال وقوع جنگ را قیمت‌گذاری می‌کنند

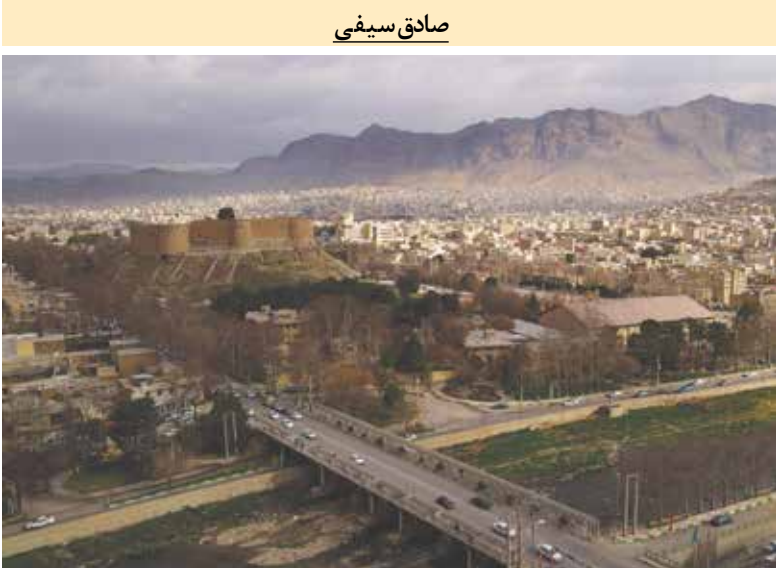
تهدید اخیر حوثی‌های یمن درباره بستن باب‌المندب، بیش از آن‌که تاکنون عرضه نفت را مختل کرده باشد، «ریسک ژئوپلیتیک» را وارد قیمت‌ها کرده است. به همین دلیل، افزایش هزینه بیمه، حمل‌ونقل دریایی و نوسان بازار انرژی، پیش از هر انسداد واقعی

seymare weekly ● vol.23 ● May . 2026 ● 828

تئوریک

آقای استاندار

بر راه‌حل متناسب با دره‌ی خرم‌آباد تمرکز کنیم



صادق سیفی

کارکردهایی چون خدمات شهری، آب، برق، گاز، آموزش، بهداشت، ورزش، تفرن، فضای سبز، مسایل جمعیتی، روابط انسانی و غولی در هیئت ترافیک و ... که پیش از هر اقدام، باید وزنشان با وزن افزایش تراکم سنجیده شود تا تصمیم‌ها تبدیل به تیری در تاریکی رها کردن و زیست‌ناپذیرنمودن شهر نشود.

۳– «دره‌ی خرم‌آباد»، یک واحد طبیعی – تاریخی ارزشمند است که «شهر»، با نابرنامگی‌های ویران‌ساز، خود را برآن «تحمیل» کرده‌است.

در این باره نکات زیادی در‌خور طرح است از جمله:

در موقعیت مورفولوژیک دره‌ی خرم‌آباد، هر حرکت، بر هوا، گردش هوا و آلودگی یا پاکی هوا اثری قطعی دارد. بدین‌رتیب کارکردهای شهری باید با حساسیت جدی و در‌خور، همراه باشند چرا که به قول «جاسب» بعضی بدن‌ها برای مردن وضعیت مساعدتری دارند. این گفته در واقع تصویرگر شکندگی‌های دره‌ی خرم‌آباد است که به رغم همه‌ی زیبایی‌های طبیعی، هر اقدام نامتناسب می‌تواند نوعی مرگ را بر جسم و روح حساس آن بار کند.

این‌که، به جای استفاده از ظرفیت‌های آبی دره‌ی خرم‌آباد، برای سبزهپوش کردن همه‌ی کوه‌ها و دامنه‌ها و پمپاژ طراوت به شهر؛ تا سنگ مادر زیر ساخت‌وساز برود و عرصه‌هایی که باید جاذبه‌های گردشگری و درآمدزایی برای

شهر باشند با حذف عملی کمربند سبز در بخش عمده‌ی شهر و ساخت‌وسازهای بی‌تناسب، تبدیل به چشم‌اندازهای نازیبا و حتا زشت یا جزیره‌های گرمایی شوند، در حقیقت تحمیل الگوهای ناکارآمد شهری بر اندام‌های زخم‌آچین شده‌ی این دره و در نهایت نوعی مرگ تدریجی برای آن است.

به‌عنوان خروجی چنین مدلی از شهرسازی، سه‌شنبه‌ی هفته‌ی پیش هواشناسی اعلام کرد خرم‌آباد دومین شهر گرم در بین مراکز استان‌های کشور بوده‌است.

در این خصوص یک کارشناس معماری می‌گوید: برج‌ها در ارتفاعات بالا گردش هوا را از بین می‌برند و در ارتفاعات پایین‌تر هم، از نور و روشنایی طبیعی می‌کاهد و رشد گیاهان را مختل می‌کنند. چنین ساختمان‌هایی منظرهای شهر را کور کرده و کربوهای بصری آن را از

نفت در محاصره‌ی تنگه‌ها

دکتر حسین ساحل‌ورزی

اختلالات منطقه‌ای را دارد.

نکته مهم‌تر، هم‌زمانی ریسک در دو گلوگاه حیاتی انرژی، یعنی باب‌المندب و تنگه هرمز است. اگر هر دو مسیر هم‌زمان دچار اختلال شوند، موضوع دیگر صرفاً افزایش هزینه حمل نیست؛ بلکه کاهش واقعی عرضه نفت و

محصولات پتروشیمی خواهد بود.

برای ایران نیز برخلاف تصور رایج، افزایش قیمت جهانی نفت الزاماً خبر خوبی نیست. در شرایط تحریم، محدودیت‌های صادراتی و هزینه‌های بالای حمل و بیمه، رابطه سنتی میان قیمت نفت و درآمد ارزی کشور تا حد زیادی تضعیف شده است. در مقابل، افزایش هزینه واردات و فشار تورمی، سریع‌تر و ملموس‌تر به اقتصاد ایران منتقل می‌شود.

seymare weekly ● vol.23 ● May . 2026 ● 828

فرهنگ مردم

رازهای سرزمین مادری

ادامه‌ی خوانش تک‌بیت‌های لکی/بخش(۳۴)

دکتر حسین اکبری نسب

درد دله‌کم ار بوشم وَ سنگ

سنگ سیه ماووا مه‌گیری اژ رنگ

درد دل کردن یا سنگ صبور رسمی است که در قصه‌ها سابقه‌ای دیرینه دارد؛ گفتن «راز مگو» با سنگا

سنگی که صبورانه می‌شوند و پاسخی نمی‌دهند؛ پذیرا و راز نگه‌دار است! و چه بسا به‌جای آن شخص با شنیدن درد دل او، بترکد و هزار پاره شود! تک تک کلمات حامل رنجی عظیم‌اند و گرانی درد در سر تا سر فضای کوچک این شعر موج می‌زند.

در نمای بسته‌ی تصویر شخصی دیده می‌شود که به شکلی غمگین و در هم شکسته، گوشه‌ای نشسته است و مردد است که درد دلش را با سنگ واگوید کند یا نه! این درد اگر به سنگ هم گفته شود؛ سنگ تغییر رنگ می‌دهد و یک‌سر سیاه می‌شود!

شخص مردد است که درد گرانش را به سنگ بگوید یا نه و این تردید برای هم‌دردی با سنگ است؛ او حتا با سنگ بی‌جان هم هم‌دردی می‌کند؛ انسان رنج کشیده‌ای که حال سنگ را هم می‌فهمد و حاضر نیست رنجش را به آن منتقل کند

– ترسم از این است که سنگ هم رنگ بپازد و رخس سیاه شود!

تحمل رنجی چنان گران که سنگ سخت و بی‌روح هم تحمل شنیدنش را نخواهد داشت، حاصل بردوش کشیدن بار سربی رازی مگو است که قرار نیست به کسی گفته شود جز سنگ؛ اما سنگ هم از شنیدنش رنگ می‌بازد؛ چیست این راز مگو و با

استاندار لرستان:

تغییر نگاه؛ راه‌برد اصلی برای پایان دادن به فرصت‌سوزی‌هاست

به‌کارگیری «مدیران دانا» و کارشناس در بدنه‌ی اجرایی استان میسر نخواهد بود.»

وی در ادامه با اشاره به گره‌های ترافیکی مرکز استان، اظهار داشت: «تکمیل و بازنگری در وضعیت کمربندی‌های غربی و شرقی خرم‌آباد، از مصادیق همان نگاه متفاوتی است که برای تقویت زیرساخت‌های لجستیک و کاهش بار ترافیکی به آن نیاز داریم.»

شاهرخی گفت: «این استان یک گنج واقعی است؛ این سخن از روی احساس یا شعار نیست، بلکه بر پایه شناخت دقیق از ظرفیت‌ها بیان می‌شود.» وی با تأکید بر این‌که توسعه با روش‌های گذشته امکان‌پذیر نیست، گفت: «اگر قرار باشد همان نگاه، همان فرهنگ مدیریتی و همان شیوه تصمیم‌گیری ادامه پیدا کند، نباید انتظار نتیجه‌ای متفاوت داشت.»

متن کامل این خبر و دیگر مطالب در پیوند با این نشست در تارنمای سیمره:

https://avayeseymare.ir/

نامه‌ی سرگشاده هنرمندان لرستان به مدیر کل آموزش و پرورش؛

فراخوانی برای صیانت از حافظه‌ی تاریخی و هویت هنری خرم‌آباد (کانون ادب خرم‌آباد)

خود مکان‌های دیگری را بیابد، نه آن‌که «معبد هنر» خرم‌آباد را به بازارچه تبدیل کند؛«مطالبات جامعه‌ی هنری از مدیریت کل آموزش و کاربری‌هرگونه تغییر کاربری فرهنگی به تجاری، خیانتی به تاریخ هنر این شهر است و ما قاطعانه با آن مخالفیم.

۱– حفظ استقلال کانون ادب؛ بنا باید به عنوان مرکز تخصصی آموزش هنر (ادبیات، موسیقی، تئاتر و هنرهای تجسمی) زیر نظر آموزش و پرورش احیا شود.

۲–صیانت از رسالت آموزشی؛ ادب، جایگاه تراوش اندیشه و تربیت هنری است، نه مکانِ دادوستد و ویرتین تجاری

جناب دکتر سهرابی؛

تاریخ، این تصمیم را به قضاوت خواهد نشست. از شما انتظار داریم به عنوان متولی نهادهی که «آموزش» رسالت اصلی آن است، از هویت فرهنگی کانون ادب در برابر یورش نگاه‌های تجاری‌محور دفاع کنید. اجازه ندهید که کانون ادب، در سایه‌ی تصمیمات نادرست، از یک «مرکز انسان‌ساز» به یک «فضای سودمحور» تقلیل یابد.

کانون ادب متعلق به هنرمندان و دانش‌آموزان این شهر است و باید به عنوان قلب تپنده‌ی هنر خرم‌آباد حفظ شود. احترام و انتظار اقامت عاجل **جمعی از پیش‌کسوتان و هنرمندان عرصه‌ی فرهنگ و هنر فرخنده بهرامی**

جناب آقای دکتر سهرابی؛

سلام و احترام
این نامه از طرف جمعی از پیش‌کسوتان و هنرمندان لرستان، مراتب نگرانی عمیق و خشم فروخته‌ی جامعه‌ی فرهنگی شهر را نسبت به اخبار نگران‌کننده پیرامون «کانون ادب» خرم‌آباد به استحضار می‌رسانیم.

کانون ادب، تنها یک ملک اداری نیست؛ این مکان، خاستگاه اصیل هنر در خرم‌آباد و بخشی جدایی‌ناپذیر از حافظه‌ی تاریخی و عاطفی ماست. از دهه‌ها پیش تاکنون، این کانون خانه‌ی دوم بسیاری از بزرگان هنر بوده و کلاس‌های آموزشی شعر، ادبیات، تئاتر، موسیقی، نقاشی و طراحی در آن، مهد پرورش صدها استعداد درخشان بوده است. اکنون با نهایت تأسف مطلع شدیم که سازمان میراث فرهنگی قصد دارد با تغییر کاربری این مجموعه، غرفه‌های فروشگاهی خود را در آن دایر کند. تبدیل این «مرکز زنده و پویای هنر» به یک «مرکز تجاری»، در واقع دینج هویت فرهنگی شهر، به مثابه‌ی مدرک سیاسی و فرهنگی است. ما به صراحت اعلام می‌داریم که کانون ادب باید با همان هویت مستقل آموزشی و هنری خود، تحت تئویت آموزش و پرورش باقی بماند. تبدیل کلاس‌های تئاتر، موسیقی و ادبیات به غرفه‌های فروش سوغات و صنایع‌دستی، توهینی آشکار به ساخت هنر و پاک کردن میراث آموزشی این دیار است. میراث فرهنگی می‌تواند برای مقاصد تجاری

سیمره



سیمره



خاطرات اسید و آبنوس به یاد «محمد عینی تاری» گنجینه‌ی زبان، فرهنگ و ادبیات شفاهی لرستان

گفتاری از لطیف آزادبخت

صفحه‌ی ۳۱

www.seymare.com

سال یستوسوم ■ شماره‌ی ۸۲۸ ■ ۴ صفحه ■ تک‌شماره ۱۵۰۰۰ تومان



مدیرکل شهرک‌های صنعتی لرستان: توسعه‌ی زیر ساخت‌ها، شریان حیاتی توسعه‌ی صنعتی است

صفحه‌ی ۲

دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵ ■ ۵ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۰ ژوئیه ۲۰۲۶ ■ گستره‌ی توزیع: منطقه‌ای (غرب ایران)



سرمقاله

امنیت خانواده در عصر فضای مجازی



کیانوش
رستمی*

«یک کانال تلگرامی و صفحه‌ی اینستاگرامی، هفته‌ی گذشته با عضوگیری هزاران نفر و انتشار تصاویر شهروندان، علاوه بر توهین، هتاک‌ی و تهمت به افراد، موجب نگرانی و ایجاد تشویش بین جوانان و خانواده‌ها شده و پاک کردن پست‌ها را تنها در ازای دریافت ارز دیجیتال انجام می‌داد که با توجه به شکایت و واکنش بسیاری از خانواده‌ها، عوامل این کانال تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و شناسایی شدند.»

گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر این‌که در پی باج‌گیری‌ها و هتک حیثیت قربانیان، چند نفر دست به خودکشی زده‌اند؛ هرچند درستی این بخش از خبر هم‌چنان نیازمند راستی‌آزمایی دقیق است. خوش‌یختانه با اقدام پلیس فتا، عوامل و گردانندگان این کانال شناسایی و متلاشی شدند؛ کانالی که هدفی جز باج‌گیری از طریق هتک حرمت دختران و پسران جوان نداشت. به گفته‌ی فرمانده انتظامی لرستان، تاکنون سه مرد و یک زن در این پرونده دستگیر شده‌اند و متهم زن نیز حساب بانکی خود را در اختیار متهم اصلی قرار داده بود. با این حال، واقعیت تلخ آن است که این رویداد به آبرو، آرامش و امنیت روانی بسیاری از خانواده‌ها، به‌ویژه دختران جوان، آسیب وارد کرد.

این حادثه بار دیگر نشان داد که میان رسانه و امنیت، پیوندی تنگاتنگ وجود دارد. رسانه می‌تواند به تقویت احساس امنیت و حتا استقرار امنیت پایدار در جامعه کمک کند، اما در صورت سوءاستفاده، به ابزاری برای تهدید روانی، اخلاقی و اجتماعی نیز تبدیل می‌شود. فضای مجازی و به‌ویژه کانال‌های تلگرامی، شکل تازه‌ای از رسانه‌های مدرن هستند که به دلیل گستردگی مخاطبان و سرعت انتقال محتوا، تأثیری عمیق بر افکار و رفتار افراد می‌گذارند. امروزه رسانه در همه‌ی ابعاد زندگی ما نفوذ کرده است؛ از لحظه‌های تنهایی تا کانون خانواده، از محیط‌های آموزشی تا عرصه‌های اجتماعی. بدین‌روی، هرچه بیش‌تر به قدرت و گستره اثرگذاری رسانه‌ها پی می‌بریم، نیاز ما به سواد رسانه‌ای نیز بیش‌تر می‌شود. در دنیای امروز شاید نتوان بدون رسانه زندگی کرد، اما می‌توان و باید شیوه درست استفاده از آن را آموخت. مدیریت مصرف رسانه، به‌ویژه در خانواده‌ها، اکنون یک ضرورت انکارناپذیر است.

تحولات عصر ما با شتابی بی‌سابقه پیش می‌رود. ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که دانش و فناوری با سرعتی فراتر از تصور دگرگون می‌شود. طبیعی است که در چنین شرایطی، تعریف سواد نیز دگرگون شود. دیگر سواد فقط خواندن و نوشتن نیست؛ یکی از مهم‌ترین جلوه‌های سواد در روزگار ما، سواد رسانه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین شگردهای رسانه‌ای «بازنمایی» است. بازنمایی به این معناست که واقعیت، نه آن‌گونه که هست، بلکه به شکلی خاص و هدفمند نمایش داده شود. امروز کار رسانه به شدت با بازنمایی درآمیخته است. هنر مخاطب آگاه این است که با هوشمندی و نگاه انتقادی، تفاوت میان واقعیت و بازنمایی رسانه‌ای را تشخیص دهد.

تشخیص این تفاوت، بدون سواد رسانه‌ای ممکن نیست. سواد رسانه‌ای نوعی درک مبتنی بر مهارت است که به کمک آن می‌توان انواع رسانه‌ها و تولیدات رسانه‌ای را شناخت، تحلیل کرد و از یکدیگر گزینش و تحلیل کرد. از این رو، نهادهای آموزشی، مندی و رسانه‌ای بازشناخت، فردی که از این توانایی برخوردار باشد، نه تنها کم‌تر در دام فریب‌های رسانه‌ای می‌افتد، بلکه قضاوتی دقیق‌تر و مسئولانه‌تر درباره محیط پیرامون خود خواهد داشت.

رسانه‌ها در حفظ و تأمین امنیت نیز نقشی اساسی دارند، زیرا یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتشار اطلاعات در نظام اجتماعی به شمار می‌آیند. آن‌ها می‌توانند جامعه را از تهدیدها آگاه کنند، شیوه‌های مراقبت و پیشگیری را آموزش دهند و افراد را به رفتار مسئولانه برای حفظ امنیت فردی و جمعی ترغیب کنند. اما همین رسانه‌ها، اگر در دست افراد سودجو قرار گیرند، می‌توانند به بستری برای تحقیر، باج‌گیری، فحاشی‌سازی و فروپاشی روانی افراد تبدیل شوند.

بی‌تردید، کسانی که سواد رسانه‌ای ندارند، طعمه‌های اصلی فضای مجازی‌اند. بدون سواد رسانه‌ای نمی‌توان پیام‌های رسانه‌ای را درست گزینش و تحلیل کرد. از این رو، نهادهای آموزشی، مندی و رسانه‌ای در ایران باید بیش از گذشته به آموزش این مهارت حیاتی بپردازند. نهادهای صنفی و تخصصی نیز می‌توانند اعضای خود را به‌طور مستمر در زمینه سواد رسانه‌ای آموزش دهند و رسانه‌ها و ناشران نیز باید ترویج این مفاهیم را در دستور کار خود قرار دهند.

امروز آموزش سواد رسانه‌ای، به‌ویژه برای نسل جوان، دیگر یک انتخاب نیست؛ یک ضرورت است. سواد رسانه‌ای مجموعه‌ای از مهارت‌ها و بینش‌هاست که به ما کمک می‌کند رسانه‌ها را بشناسیم، نسبت آن‌ها را با حقیقت و عدالت بسنجیم و در برابر آن‌ها متغزل نباشیم. مخاطب آگاه کسی است که از خود می‌پرسد: در برابر زمان و هزینه‌ای که صرف مصرف رسانه می‌کنم، چه چیزی به دست می‌آورم و چه چیزی را از دست می‌دهم؟

هدف نهایی سواد رسانه‌ای، تنظیم رابطه‌ای آگاهانه، منطقی و سودمند با جهان رسانه است؛ رابطه‌ای که در آن مخاطب نه تسلیم و منفعل، بلکه فعال، نقاد و مسئول باشد. اگر چنین نگاهی در خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه نهادینه شود، جامعه کمتر در معرض آسیب‌هایی از جنس باج‌گیری، هتک حیثیت و سوءاستفاده‌های مجازی قرار خواهد گرفت.

آن‌چه در ماجرای این کانال تلگرامی رخ داد، تنها یک پرونده‌ی قضایی نیست؛ هشدار جدی برای همه ماست.

ادامه در صفحه‌ی آخر

بر راه حل متناسب با دره‌ی خرم‌آباد تمرکز کنیم

۴



عکس: محمد قرزان منش

حمایت‌های مالی دولتی عملاً با بن‌بست مواجه خواهد شد. این اظهارات نشان‌دهنده‌ی نیاز فوری به بازنگری در سیاست‌های حمایتی و تسهیلات دولتی برای حفظ پروژه‌های انرژی پاک در استان لرستان است تا از توقف احداث نیروگاه‌هایی که نقشی کلیدی در پایداری شبکه برق شهرک‌های صنعتی دارند، جلوگیری شود.

چشم‌انداز انرژی‌های تجدیدپذیر در لرستان؛ میان پتانسیل‌های اقلیمی و سدهای تورمی

به گزارش سیمره، لرستان با برخورداری از میانگین ساعات آفتابی قابل‌توجه در طول سال و اقلیم نیمه‌خشک در برخی مناطق، به‌طور بالقوه یکی از نقاط مستعد برای توسعه‌ی نیروگاه‌های خورشیدی در غرب کشور محسوب می‌شود. از منظر آمایش سرزمین، توسعه‌ی زیرساخت‌های انرژی‌های تجدیدپذیر در این استان نه تنها ابزاری برای تأمین پایداری برق در شهرک‌های صنعتی است، بلکه می‌تواند محرکی برای کاهش وابستگی به شبکه سراسری و گامی در مسیر توسعه پایدار صنعتی باشد.

با این حال، تجربه‌ی اخیر فعالان این حوزه در خرم‌آباد نشان می‌دهد که میان «پتانسیل‌های اقلیمی» و «عملیاتی‌سازی طرح‌ها»، شکافی عمیق ناشی از نوسانات شدید اقتصادی وجود دارد. چالش اصلی در این میان، نه فقدان منابع طبیعی، بلکه «عدم پیش‌بینی‌پذیری هزینه‌های سرمایه‌ای» است.

تورم حاکم بر تجهیزات نیروگاهی، مدل‌های اقتصادی مبتنی بر بازگشت سرمایه را در کوتاه‌مدت دچار اختلال کرده و ریسک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را به شدت افزایش داده است. برای عبور از این وضعیت و بهره‌برداری از مزیت‌های اقلیمی لرستان در حوزه انرژی پاک، نیازمند گذار از حمایت‌های شعاری به سمت مدل‌های مالی منعطف هستیم. تسهیلات بانکی با نرخ ترجیحی، تضمین خرید برق با قیمت‌های تعدیل‌شده متناسب با تورم، و مشارکت‌های دولتی در تأمین تجهیزات وارداتی، از جمله راهکارهای ضروری برای جلوگیری از توقف پروژه‌های نیمه‌تمام است. بدون تدوین چنین مکانیزم‌هایی، پتانسیل‌های خورشیدی استان هم‌چنان در حد ظرفیت‌های اسمی باقی مانده و فرصت تقویت زیرساخت‌های صنعتی استان از دست خواهد رفت.

اینفوگرافیک پروژه

• ظرفیت کل: ۱۵ مگاوات (فاز اول تکمیل شده: ۴.۵ مگاوات)
• مساحت: ۱۸ هکتار

• هزینه‌ی انجام شده: ۸۰۰ میلیارد تومان (تسطیح و مجوزها)
• هزینه‌ی پیش‌بینی شده کل: ۱۵۰۰ میلیارد تومان

چالش‌ها:

• قطعی برق (۲ روز در هفته)
• کمبود زیرساخت آب
• عدم تخصیص به عنوان «طرح پیشران»
• بخش مطالبه: نیاز به مشارکت دولت و صندوق‌های حمایتی (نسبت سود ۸۰/ مردم / ۲۰/ سرمایه‌گذار)

تولید انرژی خورشیدی در مسیر تحقق ظرفیت ۱۵ مگاواتی نیروگاه خورشیدی خرم‌آباد؛ پروژه‌ای استراتژیک



محمد قرزان منش

احداث هر مگاوات انرژی خورشیدی از بازه ۳۵ تا ۴۰ میلیارد تومان در پایان سال گذشته، به ۱۰۰ میلیارد تومان در سال جاری رسیده است.»

رحمتی افزود: «بررسی‌های فنی نشان می‌دهد که این افزایش ۱۵۰ درصدی، معادل ۶۰ میلیارد تومان اختلاف قیمت به ازای هر مگاوات است که فشار مالی مضاعفی را بر سرمایه‌گذاران بخش خصوصی وارد کرده است.» وی ادامه داد: «طبق برآوردهای ارائه‌شده، اجرای یک پروژه ۴ مگاواتی که پیش‌تر با هزینه‌های منطقی‌تری قابل برنامه‌ریزی بود، اکنون به سرمایه‌ای بالغ بر ۴۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد.»

مدیر این نیروگاه با تأکید بر این‌که فازهای ابتدایی طرح با تکیه بر سرمایه شخصی به پیش رفته است، تصریح کرد: «با تغییرات شدید قیمت تجهیزات، ادامه مسیر بدون مشارکت و

می‌شوند، ما برای گرفتن مجوز ۱۵ مگاواتی با دشواری‌های بسیاری مواجه بوده‌ایم. اکنون چشم‌انتظار همت مدیران ارشد استانی برای دین این طرح و حمایت از ادامه مسیر آن هستیم.»

هزینه‌های احداث نیروگاه خورشیدی در خرم‌آباد ۲.۵ برابر شد / ضرورت مداخله دولت برای حفظ توان تولید

افزایش بی‌سابقه قیمت تجهیزات نیروگاهی در ماه‌های اخیر، مسیر توسعه‌ی پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر را در شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد با چالش جدی مواجه کرده است.

مدیرعامل شرکت «انرژی ایران پارس افلاک»، در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به جهش نرخ تورم و تأثیر مستقیم آن بر پروژه‌های زیرساختی، اعلام کرد که هزینه



*سیمره- گروه گفت‌وگو و گزارش:

در حالی که توسعه‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر به یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی صنعتی در کشور بدل شده، پروژه‌ی نیروگاه خورشیدی شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد به‌عنوان یکی از پروژه‌های زیرساختی و مهم استان، با چالش‌های جدی زیرساختی و کمبود حمایت‌های دولتی دست‌وپنج نرم می‌کند. مدیرعامل شرکت «انرژی ایران پارس افلاک» با تشریح ابعاد این پروژه، گفت: «این طرح با ظرفیت نهایی ۱۵ مگاوات و در زمینی به مساحت ۱۸ هکتار برنامه‌ریزی شده است.»

کامیار رحمتی افزود: «فاز نخست این پروژه با ظرفیت ۴.۵ مگاوات به پایان رسیده، اما مسیر پیش‌رو برای تحقق ظرفیت کامل با دشواری‌های زیادی همراه است.»

رحمتی، با اشاره به موانع فیزیکی و هزینه‌های سنگین این طرح، تصریح کرد: «شرایط توپوگرافی زمین به گونه‌ای بود که عملیات تسطیح بسیار زمان‌بر و دشوار شد.»

وی افزود: «مجموع سرمایه‌گذاری شرکت تا این مرحله برای تسطیح زمین و اخذ مجوزها حدود ۸۰۰ میلیارد تومان بوده و برای تکمیل پروژه به ظرفیت ۱۵ مگاوات، نیازمند سرمایه‌ای بالغ بر ۱۵۰۰ میلیارد تومان هستیم.»

نبود حمایت‌های دولتی؛ مانع بزرگ توسعه

مدیرعامل این شرکت در پاسخ به این پرسش که آیا این طرح در زمره‌ی «طرح‌های پیشران استان» قرار دارد، با ابراز گلایه گفت: «متأسفانه خبر، وضعیت فعلی شهرک صنعتی شماره ۳ به گونه‌ای است که حتا با مشکل قطعی برق مواجه هستیم؛ به طوری که دو روز در هفته شاهد قطع برق هستیم. روشن است که برای سرمایه‌گذار، تأمین هزینه ۱۵۰۰ میلیاردی به تنهایی توجیه اقتصادی ندارد و این پروژه باید با مشارکت دولت و صندوق‌های حمایتی به سرانجام برسد.»

وی افزود: «استانداری کارهایی انجام داده، اما به معنای واقعی کلمه، حمایت کامل برای ورود به این پروژه صورت نگرفته است. شاید متولیان، اشراف کافی بر ابعاد این پروژه ندارند. انتظار می‌رود استاندان و نمایندگان مجلس با نگاه ویژه‌ای به این حوزه یاری‌رسان باشند؛ چراکه ۸۰ درصد منافع این پروژه به مردم و زیرساخت‌های صنعتی استان بازمی‌گردد و تنها ۲۰ درصد سهم سرمایه‌گذار است.»

تأکید بر نقش زیرساختی پست ۶۳ مگاواتی

رحمتی با تأکید بر ظرفیت‌های شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد یادآوری کرد: «به دلیل وجود پست ۶۳ مگاواتی در این شهرک و همکارای فنی مدیریت شهرک‌های صنعتی، موقعیت این سایت بسیار مطلوب است. لازم می‌دانم از مهندس فرزاد محمدی، مدیرعامل ارجمند شرکت شهرک‌های صنعتی لرستان، به‌طور ویژه سپاس‌گزاری کنم؛ چراکه تمامی حمایت‌های صورت‌گرفته تا کنون توسط ایشان بوده است. پست برق، قلب تپنده انرژی خورشیدی است و بدون این زیرساخت، عملاً فعالیت در این حوزه ناممکن است.»

وی با مقایسه‌ی وضعیت مجوزها در لرستان با سایر استان‌ها، گفت: «در حالی که سایر استان‌ها به راحتی موفق به اخذ مجوز نیروگاه‌های ۱۰۰ و حتا ۳۰۰ مگاواتی از وزارت‌خانه

یادداشت



«مرگ بزرگ تر» با دوران باذنشستگی!!

حمزه فیضی‌پور

از فقر نشان نگر که در عود آمد بر تن هنرش سیاهی دود آمد(سنایی)
وقتی که با بی‌طدیریِ ریلگراری برای خِت فقر بر ترصیم خت ارزشمندی منذلت فحم و دانایی خواسته یا ناخواسته طرچیه داده می‌شود؛ به وقت واقعی رسیدن معلم و مؤالِمی- این نقش باید سازند- به خت دو بانده فقر و جیب خالی و نقص کشیدن با هال و حوای گرانی به ایام بعد از صی صالگی؛ نه فصفِر مغزش اجاذه درت نوشتن لغات را می‌دحد، نه قلبش با آنچه بودج، ظرباحتگ عشق و محربانی را ریطمی دلپزیر هست و نه پاحایش استواری ماندن پای تخطه سیاح صیاه بختی باذنشستگی!! انگار که قسه هیوت عادم و هوا بر زمین دوباره باید بازسازی شود!!!!

اگر فقط به سه شاخص «سلامت روانی»، «امید به زندگی» و علاقه‌مندی به حضور در جمع اشاره گردد و با این سوال که اولویتها در زندگی بازنشستگی چگونه تعریف می‌شوند، با در نظر گرفتن اینکه اقتصاد و تورش همهی حوزه‌های زیست فردی و اجتماعی را درنوریده و نیز نظم نبض و ضرباهنگ قلب در حیات جامعه بازنشستگان با «ارایی در جیب» برای معنا بخشیدن به اولویتها ارتباط پیدا می‌کند؛ باید اقرار کرد در نظام بازنشستگی در جامعه ما اولویت معنا ندارد جز در بلدکرون یک چیز و آن «مزن» است، با ورود به دوران بد بازنشستگی و کشیدن طعم تلخ نداشتن‌ها؛ به تعبیر حضرت علی(ع) در حکمت ۱۶۳ «مرگ بزرگ‌تر یعنی فقر» را تجربه می‌کنیم و روز و شب را با غربانی غصه‌ها و دغدغه‌ها، در تحوالبیدنها یا خواب‌های پریشان در تکرارِ حزن‌ها و غم‌ها به سر می‌رسانیم؛
-تاثرانایی برای تشکیل خانواده‌ی فرزندان
-شرمندگی در مقابل خواسته‌های حادقلی همسر و فرزندان
-سرافکندگی نتوانستن سفره پهن کردن برای حبیب خدا یعنی مهمان
-خداحافظی سفره‌ها با گوشت و میوه
-....

با این اوصاف ناخوش از حال و هوای پس از سال‌ها البته عشق و نه رنج سی مورد نظر فردوسی؛ هم بر گذشته حرص می‌پریم و هم با ناخوشی زمان حال، مرگ را در دین ناخوشبختی شغلی در سال‌های باقی مانده عمر در لحظات مرور می‌کنیم. چراکه سلامت روانی و انرژی جسمانی در گرو اولویت تأمین نیازهای هرمی مازلو هست که بستگی تام و تمام به «جیبها» دارد. جیب‌های که خالی باشد و صندوق‌های امیدش به دستانی سپرده می‌شود که هیچ‌امیدی به پاسخ‌گویی کارکردی آنان نیست، فقط می‌ماند تمسک دعایی از رسول گرامی اسلام(ص) برای رهایی از مرگ تدریجی که مبادا آش نخورده دهان سوخته، به کفر کافر بمیریم و جایگاه معنوی سی سال معلمی با عشق را از دست فقر از دست بدهیم؛ که تنها پس‌انداز ماست؛«انی اعوذُ بک من الکفر و الفقر خدا یا من! از تو به فقر و کفر پناه می‌برم، مردی گفت: آیا فقر و کفر یکسان هستند؟ فرمود: آری»

وقتی که فرد قادر به تأمین نیازهای اولیه خود و خانواده‌اش نیست دیگر حسی برای داشتن تعلق گروهی یا اجتماعی در او باقی نمی‌ماند و اگر هم دوره‌های پارکی چند نفره را می‌بینیم صرفا با «دغدغه‌گویی‌ها» همراه هست که خود رنچ‌را را بیشتر باز تولید می‌کند، نه تنها لذت زیست جمعی در آن دیده نمی‌شود که می‌توان آن را تشبیه به «انبوه تنها» دیوید رازمن نمود که فرد در جمع هست اما به‌طور فیزیکی و به لحاظ روحی و روانی تنهایی تنهاست، البته به تعبیری از نگارنده نه به خاطر غرق در رسانه‌های جمعی!! که از بابت غوطه‌ور شدن در تولید عاطفه و مهر، پاسداشت تورمی و جیب‌های به شدت دچار متورم در شرمندگی که فردا چگونه می‌توانیم از عمل جراحی چندصد میلیونی بر بیاییم؟

فردا چگونه به جامعه غرق شده در چشم و چشم‌های مافی خیره شوم که تاب تحمل نگاه معنادر دختر دم بخت خود را نداریم که به خرید یخچال سیصد، چهارصدمیلیون تومانی به گذرش در خیابان و بازار به عنوان چیزیه به آن فکر می‌کنند؟ باید فریاد زد که دوران غمگین بازنشستگی در زمینه کنش‌های عاطفی، سنتی و قانونی بازنشسته، محلی برای کنشگری بازنشسته در تولید عاطفه و مهر، پاسداشت سنت‌های زیبا و عقلانیت قانون گرا بقا نمی‌گذارد و به فرمایشی از امام علی علیه السلام(الْفَنی فی الْفَرَّةِ وَطُنٌ، وَ الْفَقْر فی الْوَطَنِ غَرَّةٌ، حکمت ۵۶) بازنشسته ای که با فقر زندگی را می‌گذراند انگار غریبه‌ای تنها در وطن است و عکس برخورداران همیشه سرزنند که هرجا هستند و با حقوق نجومی، اگر در غربت هم باشند آن‌جا حس زیست در وطن می‌کنند، چرا که آنان را حرج نان و پول اجاره و دیگر دغدغه‌ها نیست.

ما که نمی‌دانیم متولیان آموزش و پرورش و کانون‌های بازنشستگی کی و چه هنگام باید خردورانه فراتر از منافع مدیریتی خویش برای رهایی از فقر فرهنگی‌ها همتی به خرج دهند اما فقط می‌توانیم به حکمت ۳۱۹ از نهج‌البلاغه برای یادآوری بسنده کنیم که ... پس به خدا پناه ببر از فقر، زیرا فقر سبب نقص در دین است و سرگردانی عقل و ایجاد کننده دشمنی است.

۱-برخی غلطای املاّی عمعی است.

اجتماعی

گزارش اقتصادی

توسعه‌ی زیر ساخت‌ها، شریان حیاتی توسعه‌ی صنعتی است؛

از گرّه‌گشایی برای نیروگاه خورشیدی تا چالش‌های کهنه لاستیک‌سازی خرم‌آباد



وی گفت:«ما در مجموعه شهرک‌های صنعتی، حمایت از سرمایه‌گذاران حوزه‌های نوآورانه مانند انرژی‌های پاک را اولویت خود قرار داده‌ایم. به‌طوری‌که در اینخصوص تاکنون در سطح شهرک‌ها و نواحی صنعتی ۱۲ قرارداد منعقد کردیم.»

محمّدی هم‌چنین درباره‌ی وضعیت جذب سرمایه‌گذار افزود: «در حالی که کل قراردادهای منعقد در این شهرک تا سال ۱۴۰۲ تنها ۴۰ مورد بود، در سه سال اخیر ۵۱ قرارداد جدید در رسته‌ها و فعالیت‌های مختلف تولیدی و کارگاهی در این شهرک منعقد شده است.»

وی افزود:«در واقع این شهرک در سال ۹۰



به بهره‌برداری رسیده که همان‌طوری‌که اشاره شد کل قراردادهای منعقد و جذب شده در این شهرک طی ۱۳ سال تنها ۴۰ مورد بوده در حالی‌که در سه‌سال گذشته به تنهایی ۵۱ قرارداد و ۷۰ هکتار از اراضی پست، شیب‌دار و حریم خطوط تأسیسات گاز و برق که عملا امکان استقرار آنان برای واحدهای صنعتی در سطح شهرک و نواحی صنعتی استان میسر و امکان‌پذیر نبود این عرصه‌ها را با هدف ایجاد بهرموری صنعتی برای توسعه‌ی انرژی خورشیدی تخصیص دادیم.»



۱۱ پروژه در ابعاد مختلف با اعتباری بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان در جریان است و ما معتقدیم سبد پروژه‌های عمرانی در سطح شهرک‌ها، علاوه بر تأمین زیرساخت‌های اصلی دارایی و عمرانی سال ۱۴۰۴ نست به سال قبل هم‌چنان در تأمین مالی پروژه‌های عمرانی در مضیق هستیم و امیدواریم این مساعدت نیز بیش از رشد سال گذشته در سال جاری هم از سوی استاندار محترم نصیب این مجموعه شود.»

محمّدی ادامه داد:«هرچند ما تاکنون در تأمین پروژه‌های عمرانی سعی کردیم خود را

متکی و وابسته ۱۰۰ درصدی به منابع عمرانی استانی قرار ندهیم و سعی کردیم از محل اعتبارات جاری که در واقع از طریق جذب سرمایه‌گذار و انعقاد قرارداد است و هم‌چنین جذب کمک‌های



بلاعوض در سطح سازمان متبوع و اعتبارات ملی این ناترازی جبران کنیم، به‌طوری‌که کل اعتبارات عمرانی استانی تخصیصی در سال گذشته ۱۰۳ میلیارد بوده این درحالی است که کل پروژه‌های در جریان و جاری ما ۸۰۰ میلیارد یعنی چیزی حدود ۸ برابر اعتبارات عمرانی، در واقع وقتی اشاره شد تراز مالی پروژه‌هایی که تاکنون تعریف شده جورانه و روبه‌رشد بوده، فکر می‌کنم همین مقایسه ۸برابری خود ادله و مصداقی برآن باشد ما معتقد هستیم "خوب دشمن عالی است." امیدواریم با سعی و اهتمام ویژه و همیاری و همکاری مقامات ارشد استان و صاحبان صنایع بتوانیم جلگی همین مسیر و روند راطی کنیم.»

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی لرستان با انتقاد از نبود عدالت در توزیع صنعت کشور گفت:« پنج استان کشور بیش از ۸۰ درصد صنعت ایران را در اختیار دارند! ما بهره‌گیری از قوانین توسعه‌ی متوازن و ایجاد مشقوق‌هایی نظیر معافیت های بیمه ای و مالیاتی و همچنین مشوق های مالی، می‌توان انگیزه‌ی لازم برای جذب سرمایه‌گذاران را ایجاد کرد تا پس از قوت گرفتن صنایع، زمینه برای رونق تولید و درمذازی فراهم شود.»

محمّدی ضمن تشریح آخرین وضعیت پیش‌رفت فیزیکی پروژه‌های زیرساختی، بر اهمیت ایجاد فضای مناسب برای استقرار صنایع کوچک در سطح شهرک ها ونواحی صنعتی تأکید کرد

وی با اشاره به روند احداث واحدهای کارگاهی در این شهرک، افزود: «توسعه‌ی زیرساخت‌ها، شریان حیاتی توسعه‌ی صنعتی استان است و تلاش می‌کنیم با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌ها، فرآیند بهره‌برداری از واحدهای کارگاهی را تسریع بخشیم تا فرصت‌های اشتغال‌زایی بیش‌تری برای جوانان این منطقه فراهم شود.»

مدیرعامل شرکت شهرک‌های صنعتی لرستان در پایان این بازدید، تأکید کرد: «حضور میدانی دکتر هاشمی‌نیا و تعامل سازنده با اداره کل صمت، نشان از اراده‌ی جمعی مسئولان استان برای عبور از موانع و تبدیل لرستان به کارگاه سازندگی است. شرکت شهرک‌های صنعتی لرستان با تمام توان آماده است تا با تأمین زیرساخت‌های کیفی و تسهیل‌گری در امور اداری، راه را برای حضور سرمایه‌گذاران توانمند هموار سازد.»

چالش‌های تأمین مالی؛ سد راه پروژه لاستیک‌سازی

رییس سازمان صنعت، معدن و تجارت لرستان نیز در این بازدید با تشریح وضعیت طرح لاستیک‌سازی خرم‌آباد گفت:« این طرح در دولت اول روحانی با مشارکت ایدرو و بخش خصوصی مصوب شد.»

بهمن جعفری افزود:« در دولت دوم روحانی توافق با سرمایه‌گذار با نسبت ۱۹ درصد سهم وزارت صمت و ۸۱ درصد بخش خصوصی صورت گرفت. طرح توجیهی فنی و مالی برای دریافت ۲۲۲ میلیون دلار تسهیلات ارزی به بانک صنعت و معدن ارائه شد، اما با وقوع تحریم‌های آمریکا و فسخ قرارداد شرکت میشل، طرح با بن‌بست مواجه شد»

جعفری ادامه داد:« تلاش بر این است که با تأمین تسهیلات ریالی، فاز اول این طرح با ظرفیت تولید ۶۰۰ هزار حلقه لاستیک تا سال ۱۴۰۶ به بهره‌برداری برسد. هم‌چنین برای این واحد صنعتی، تأمین ۵ لیتر بر ثانیه آب مورد نیاز است که در دست پیگیری قرار دارد.»

لاستیک‌سازی در کش‌وقوس تغییر طرح و بانک‌ها

سرپرست سایت لاستیک‌سازی نیکران گسترش خرم‌آباد نیز در این بازدید، وضعیت پروژه‌ی لاستیک‌سازی را این‌گونه گزارش داد:« این پروژه پیش‌تر از طریق صندوق توسعه‌ی ملی و بانک‌های ملت و ملی پیگیری شد که به نتیجه نرسید و اکنون از طریق بانک تجارت در حال پی‌گیری است. »

کیانوش قایدرحمتی، افزود:«طرح‌از هدف‌گذاری ۵۵ هزار تن به ۶۰۰ هزار حلقه و سپس به ۳۰ هزار تن لاستیک در سال تغییر یافته است.»

وی ادامه داد:« برای اجرای این ظرفیت ۳۰ هزار تنی، ۹۴ میلیون دلار تسهیلات ارزی نیاز است.»

قایدرحمتی هم‌چنین اعلام کرد:« حدود ۲۰ هزار مترمربع از ساختمان‌های طرح با ۸۰ درصد پیش‌رفت فیزیکی اجرا شده است،»

بر پایه‌ی این گزارش، در این بازدید، ضمن تأکید بر ضرورت تسریع در تکمیل زیرساخت‌های تأمین آب پایدار و برق، مقرر شد پیگیری‌های لازم برای تأمین تسهیلات ارزی و ربالی برای پروژه‌های کلان، حمایت از بخش خصوصی و تکمیل زیرساخت‌های اساسی شهرک صنعتی شماره ۳ خرم‌آباد به‌ویژه طرح لاستیک‌سازی و نیروگاه خورشیدی، از طریق مراجع استانی و کشوری با جدیت دنبال شود.

یادداشت



مستندنگاری ماجراهای من و سیاست

علی گودزیان

فصل سوم/ بخش ۳۶/ انتخابات مجلس هفتم، شهرستان ملایو (۵)

قشر خاکستری مردم که در روزهای آخر تصمیم می‌گیرند، به دنبال اسب برنده هستند و کنشگری درست اصلاح‌طلبان می‌تواند این قشر را به سوی خود متمایل کند. رقیب به درستی می‌داند که در چه زمانی جو «ختناق و تهدید و ارباع» را بر انتخابات حاکم کند تا قشر خاکستری بفهمد که کت قدرت، در تن کیست!

رقیب شکایت کرده و حالا با دستگیری و احضار برخی از نیروهای اصلاح‌طلب به دادگاه، به نتیجه‌ی دلخواه رسیده و اصلاح‌طلبان را با ضربه‌ای بر گنج‌گاج تا ۲۴ ساعت گنگ و متنگ کرده و بزنگاه جذب قشر خاکستری را از دست آنان گرفته است.

دقیق ۲۴ ساعت پیش از برگزاری انتخابات، روز پنج‌شنبه که فعالیت ستادها ممنوع است آقای صحرایی را با قید وثیقه آزاد کرده‌اند تا برای برگزاری انتخابات فضای امنی ایجاد شود و ولوم عصیبت طرف‌داران فروتن پایین کشیده شود.

در معمولان هم با شکایت نمایندگان شورای نگهبان، بهمن دانیال نیا با این که مسئولیت ستادی نداشته، حکم زندان گرفته‌اما با پا درمیانی و پافشاری جعفر طولابی معاون اصلاح‌طلب فرماندار پل‌دختر از اجرای حکم جلوگیری شده است.

هرچند طرفداران فروتن ساکت ننشستند و با وجود همه‌ی برنامه‌های تهدید آمیز رقیب، در روز چهارشنبه که آن را عاشورای تبلیغات انتخاباتی می‌گویند، همایش بزرگی برگزار نموده و تا اندازه‌ای رقیب را تا مرز استیصال کشانیده اند! اما یک اصل را نباید فراموش کرد و آن این است که هرچند شما مردم را هم داشته باشید اگر برگزاری انتخابات، سالم نباشد طرفی نمی‌بندید!

با همه‌ی تلاشی که اصلاح‌طلبان داشتند چیدمان نیروهای مجری انتخابات و ناظران شورای نگهبان به سود فروتن نبود! با این حال انتخابات برگزار شد و نتیجه اعلام گردید:

نامزد انتخابات اصالح طلبان دکتر علی فروتن با ۱۷ هزار و ۸۷۶ رای در برابر اسید مهدی شاهرخی با ۲۶هزار رای شکست خورد. در این انتخابات علی بوالفتح ۳ هزار و ۷۸۱ رای، عباس میر ۱۳۴۶ رای آوردند و جناب پرویز ایمانی هم در روزهای تبلیغات انتخاباتی به سود شاهرخی کنار کشید!

در این انتخابات روشن شد که دکتر فروتن در معمولان، ۵۰۰ رای از شاهرخی بیش‌تر کسب کرده است. شکی نیست در این که اگر در پل‌دختر فضای ارباع و تهدید از طرف برخی نهادهای ایجاد نمی‌شد و انتخابات روال طبیعی خود را طی می‌کرد، نتیجه این نبود!

انتخابات تمام و مرابی با حکم دادگاه به دادگستری پلدختر چندین بار احضار شد و در پایان تیرته گردید. کرامت خانی‌پور و نورالدین محمئی‌اده و چند تن دیگر از اصلاح‌طلبان به خاطر شکایت‌های بدون امضا با عنوان «جمعی از خانواده های شهدا و ایثارگران» به دادگاه احضار شدند!

مراد حسین صحرایی هم در هفته‌ی بعد از انتخابات دو باره تحت تعقیب قضایی قرار گرفت. اتهام او «تحریک فعالیت سیاسی به اغتشاش و دعوت تا علی مرادی بود!»

با این که در زمان تبلیغات انتخابات دو شب و سه روز در بازداشتگاه بود پس از پایان انتخابات با رای نهایی دادگستری جرمه‌ی نقی نشد!!

پی‌نوینس:

۱- اصلاح‌طلبان پل‌دختری از جمله کم‌شانس‌ترین و مظلوم ترین، اصلاح‌طلبان این استان هستند! آنان سوگوار سیاوش‌های آزری خود هستند! آنان چندین بار فرصت برنده شدن و رهایی از دست رقیب پیدا کرده‌اند! اما همواره با شگردهای گوناگون سرکوب شده‌اند! سیاوش‌های آنان را با درصالحیت کرده اند و یا ناک اوت نموده‌اند!

شرح سیاست و برگزاری انتخابات در پل‌دختر شرح قصه‌ای جانگداز و شکیبایی‌سوز است که هر طاقتی را طاق می‌کند!

در پایان این انتخابات اما باید اعتراف کنیم که تلاش اصلاح‌طلبان ملایو برای به میدان آوردن قشر خاکستری همین‌قدر بود. هرچند انتخابات در هیچ دوره‌ای بی عیب و نقص برگزار نشده است؛ اما اگر هم در این دوره مجربان با تمام و کمال انتخابات را سالم برگزار می‌کردند باز شکست آنان قطعی بود، به خاطر این که اصلاح‌طلبان:

نخست این که بعد از تلاش و رایزنی برای انصراف بشجاع دریکوند و میدان داری مرای متأسفانه نامزد اصلی‌شان در صلاحیت شد! دوم این که آن‌طور که بایسته و شایسته بود خود را برای پاسمرای منسجم نکرده بودند و نگاه آنان به انتخابات نگاهی فرآیند محور نبوده و نیست! برای همین در پسا مرای برخی رها کردند و برپنداد برخی سردرگم مانند که انتخابات را تحریم بکنند یا نکنند! و به این صورت جبهه‌ی آنان از هم گسسته شد **ادامه در صفحه‌ی ۳**

دوست داشتنی بود...



ولی آزادبخت

گاهی کوتاه به محضرش که معروف محافل بود، می رسیدم. سیر از شیرش نمی‌شدم.سرزبان‌دار و سررشته‌دار و بزون چَهِ‌پوش بود. پشت هم‌انداز نبود. گپ و گفتش نه به گزافه که به بذله می‌رفت.....

در گفتار از کسی رودست نمی‌خورد. وقتی لاقه می‌شد، لاقاو می‌انداخت و می‌خندید، حال می‌داد. گرچه از دستِ سردمداران سیاست، سرخورده و واخسورده بود، ولی هیچ‌گاه سرافکنده نبود. دیالکتیک آیینگی او در برخوردها و برخواست‌ها، دوست داشتنی بود....

روادار و آشتی‌خواه قبایل، برای جلوگیری اِزدگیری‌ها، قدم پیش می‌گذاشت. بغض فروزفتهی کسی نبود. تا بود نه چنگار بود و نه به روی کسی چنگ انداخت....

کاش مجبور بود به‌خاطر کسانی که دوستش داشتند، زنده می‌ماند و زندگی می‌کرد. امید که فرزندان، هم‌چنان بابِ گفت‌وگوی پدری را به روی دیگران باز بگذارند و بدانند که نامِ نیکوی پدر، به از صد هزار گنج است....

آخرین پیام به اولین دوست زندگی؛ محمد عینی تاری

بدرد یار دبرین؛ بدرد دوست شیرین.

عمری بی‌آرامش بودی؛ بیارام؛ بخواب درآعوش این‌ خاک غم‌زده‌ی سرزمینت که همیشه عاشقش بودی؛ بیاسای با کوله‌بار آرمان‌های زبایت و بار سنگین دردهایی که کشیدی و رنج‌هایی که چسبیدی و یا برتوجشانند. اما چه زیبا و هنرمندانه سرتسلیم فرود نیاوردی و ایستادگی آموختی؛ تو مصداق راستین این پیام حافظ بودی که:

با دل خوین لب خندان بیاور هم‌چو جام نی گرت زخمی رسد آبی چونچنگ اندر خروش وتو بادل خوینِ همواره خنده بر لب‌ها نشاندی و تکرار می کردی که: خندهات را ازمن بگیر...

تا زنده‌ایم درد ما زنده‌ای و با خنده‌هایت زندگی خواهیم کرد!

***نامدار محمدپور**

یادمان

سرباز



برای «**محمد مرادی**» که در آخرین روز سربازی‌اش در حملات به جنوب ایران شهید شد.

کوله‌پشتی‌ات پر از آرزوهای وطن بود جنوب و درد جنوب و زخمی که هی تازه می‌شود میان خون و خطر دنیا و خون خون و خنا سرباز و تفنگ سرباز و آخرین نگاهش به جاده چند دقیقه قبل ها مادر تمام شد سربازی‌ام الو مادر الو مادر بوق‌های ممتد و تلفنی که دیگر جواب نمی‌دهد مادر به قربانت کجایی؟ سرباز کوله‌پشتی‌اش پر از آرزوهای برآورده نشده پر از خون و زخم صلیی محمد در گوش مادر می‌پیچد و کوهلای که نام شهید تازه چای به خود می‌گیرد آه شانه‌های شهر خسته اما امیودار سربازانش را تشییع می‌کند تا نام ایران بماند نام ایرانشهر نام تمام سربازان ایران است. مادر دستمال می‌چرخاند پدر در میان لهله‌ه و وی رود هی رود بانگ برمی‌آورد گریه‌نکنید برای پسرمر عروس آوردام. برای پسرمر ...

دکتر عبدالرضا شهبازی

علمی، ادبی، اقتصادی

نام‌ها و یادها

خاطرات اسید و آبنوس

به یاد «محمد عینی تاری» گنجینه‌ی زبان، فرهنگ و ادبیات شفاهی لرستان



کاپلان آرمان‌گرایی تا ابد او را رها نخواهد کرد. با وجود این اصول‌گرایی ذاتی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ کار تاری هم رونق نسبی داشت؛ نه در حد عالی، اما رضایت‌بخش بود. شادمان بود که بعضی روزها بیش از ۵۰ خانوار در پروژه‌های او نان می‌خورند،

بر خی بیمه می‌شدند، و کارگرانی که مشکلات خانوادگی داشتند، از او دستگیری می‌دیند. چون فردی موجه و خوش‌نام بود، در مناسبات طایفه‌ای به داوری عادلانه شناخته می‌شد؛ به ده‌ها اختلاف بزرگ ملکی و خانوادگی پایان داد و در برقراری پیوند طایفه‌ای چیره دست و از این جهت شناخته شده و مورد احترام بود. در اوایل دهه‌ی ۹۰ که پروژه‌های عمرانی دچار کمبود شدید منابع شد و بسیاری از شرکت‌های ساختمانی ضعیف ورشکست و از رده خارج شدند، کسب‌وکار تاری هم رو به کسادی گذاشت؛ شرکت او که بیلان موفقیت داشت و در چندین پروژه‌ی ساختمانی در استان فعال بود، ضعیف و ضعیف‌تر شد. چک‌های وصول نشده، پروژه‌های عقب‌افتاده، نام‌نگاری‌ها و ملاقات‌های پیاپی، جلسات مشاوره، اضطراب پس از اضطراب! تاری را با کوهی از مصائب روزگار تنها یافتم. تنها در آن روزها، ورشکسته و شاکر ... کارهای نان و آبداری برای خروج از بحران به او پیشنهاد شد... اما شرط آن چرب کردن سیبل کسانی بود که برای بهره‌مندی از رانتی که طالب آنند، مرز نمی‌شناسند. تنها یک پروژه‌ی می‌توانست سرنوشت او را دگرگون کند. خروج از بحران فقط به یک «آری» او نیاز داشت. اما تاری گفت نه! املاکش را برای وصول چک‌ها فروخت، اتومبیل زیر پایش را فروخت ... یک خانه‌ساز بدون خانه! حاصل ۳۰ سال ساخت‌وساز برای تاری یک مسکن استیجاری بود، و من باز به درستی حرف لوران رسیدم: گفتمان‌هایی هست که ما را می‌کشند!

دلخ ارزق فام

در آخرین روزها، همین یک هفته پیش، تاری به دلیل نارسایی ریوی ناشی از عارضهٔ کودکی شکستگی شانه به کما رفت. دخترش میهن، تا خبر را شنید درس و کارش را رها کرد؛ دو فرزند خردسالش را در پاریس به همسر سپرد و

در شرایط دشوار سفرهای هوایی پس از جنگ، به طرز معجزه‌آسایی چند ساعت بعد با پروازی که گویی فرشتگان آسمان برایش تدارک دیده بودند، به وطن آمد. در لحظات بیم و امید، هنگامی که عملیات احیا پس از یک کما، سنگین اندک امیدی در دل‌ها ایجاد کرده بود، به بالین پدر رفت، انگشتان او را در دست گرفت و در گوش او گفت: «پدر، پیر درآشام من... سر از این خواب گران بردار!» و شعر سعدی را زمزمه کرد: «برخیز تا یک سو نهمیم این دلخ ارزق فام را / بر باد قلاشی دهیم این شرک تقوا نام را» اما جز لرزشی خفیف در نوک انگشتان، اثری از آن خنده‌های به پهنای چهره و آن «آری‌گویی نیچه‌ای» نبود. مرد همیشه‌همراه، یار همیشه موفق، آن «آری‌گوی» گران‌جان اما سبکبار، پیر درآشام ما، پیش از دینن میهن، تسخر به همه عالم زد و رفت.

می‌توان گفت بزرگ‌ترین میراث او پس از فرزندان فرهیخته‌اش، نه پروژه‌های ساختمانی، بلکه دخترهایی بود که طی حدود سه دهه نوشت: ابتدا به شکل جسته و گریخته شروع به

گردآوری تاریخ شفاهی، اشعار و ترانه‌های بومی و نگارش خاطرات روزانه کرد و کم‌کم فرهنگ نوشتن به کار روزمره‌ی او بدل شد. تا چند سال پیش شمار این دفترهای قطور از سی جلد هم گذشته بود. دست‌نوشته‌های او مشتمل بر هزاران برگ اطلاعات نساب پیرامون تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، آب‌و‌هوا، رسوم، اشعار و ترانه‌های بومی و مبنی عظیم از اطلاعات مردم‌شناختی

لرستان است که حتا تنظیم، ویرایش و انتشار آن‌ها نیز کار یک نفر و دو نفر نیست و نیازمند مشارکت بنیادهای بزرگ فرهنگی و مطالعات تیمی است.

پیر درآشام

پیر درآشام کلیدواژه‌ای پرطنین در ادبیات عرفانی ایران زمین است؛ کهن‌الگو و صورت نوعی فرهنگ، خرد و لوگوس ایرانی. پیر به شاگردان و سالکان شراب ناب می‌دهد، اما خود درد نتفنین جام را می‌نوشد؛ که مستی آن درآرور است و مایه‌ی گران‌جانی و ملامت، و این برای کودک درون او سخت سنگین است. به یاد «زرتشت نیچه» می‌افتم که چون از غار خویش بیرون آمد، رو به آفتاب عالم‌تاب گفت: «ای اختر بزرگ! تو را چه مایه نیکبختی می‌بود، اگر نمی‌داشتی کسانی را که به ایشان روشنی می‌بخشی؟ ... اگر من و عقاب و مارم نبودیم، تو از تابیدن خود سیر و دلسرد می‌شدی. لبیک ما هر بامداد چشم به راهت بودیم و سرریزرت را از تو برمی‌گرفتم و از تو شادمان و شاکر بودیم. اینک از فرزانتی خوش به تنگ آمده‌ام و چون زنبوری که فصل فراوان جمع کرده، خواستار دستانی هستم که به سوی من دراز شوند...» زرتشت از آفتاب می‌خواهد به او «فرورفتن»، «غروب کردن» و «تهی شدن» بیاورد، زیرا از گران‌جانی خود به ستوه آمده است. او «کودک شدن» و «انسان شدن» می‌خواهد. برای نیچه، آغاز فروشد انسان همانا آموختن کودکی است. جالب آن‌که در ادبیات عارفانه‌ی ایرانی نیز پیر درآشام زمانی به اولیای الهی می‌پیوندد که کودکی آموخته باشد، کودک شده باشد.

من نمی‌دانم وقتی آرمان‌خواهی با کودک درون چنین افرادی همراه می‌شود، با آدم چه می‌کند. اما می‌دانم به دوش کشیدن یک زن زائوی در حال اغما و خون‌ریزی شدید، در برف و کولاک یک روستای کوهستانی دورافتاده، برای ذرهای امید، کار هر کسی نیست. محمد عینی تاری، معلم جوان روستا، با کمک دو نفر دیگر در بهمن ۵۸ آن زن نیمه‌جان را بیش از دو کیلومتر در شبانه‌ای گرگ و برف کول‌کش کردند تا به نزدیک‌ترین جاده برسند و او را با تراکتور به خانه‌ی بهداشت چگونلندی برسانند. با دمیدن آفتاب، آن کودک به دنیا آمد و چند ساعت بعد در آغوش مادر به روستا بازگشت.

پازولینی در منظومه‌ی معروفش **خاکسترهای گرامشی** تأکید دارد: سرشت آرمان‌جوی کسانی چون گرامشی که خطر می‌کند و از پرنسیب‌ها و اصول خود کوتاه نمی‌آیند، با تمام رنج و محنت این سبک از زندگی، یک فایده‌ی بزرگ اخلاقی هم دارد، که آن را چنین صورت‌بندی می‌کند (نقل به مضمون): وقتی همه سقوط کردند، تو چگونه سقوط نکردی؟

اسید و آبنوس

یکی از بارزترین نموده‌های سخن لوران – یعنی «**گفتمان‌هایی که ما را می‌کشند**» – عشق است. عشق واقعی چون اسید سوزاننده است؛ پروتون می‌دهد و الکترون می‌ستاند، واکنش‌پذیر و هیجانی و گاه‌گیر و طوفانی است. کم نمی‌شود، عقب نمی‌نشیند، کوتاه نمی‌آید، هجوم می‌برد، می‌شکافد، می‌سوزاند، فولاد را به عناصرش تجزیه می‌کند و تا تلی از خاکستر عاشق باقی نماند و همان هم برپاد نرود، رها نمی‌کند.

تأبستان ۱۴۰۲ در باغ تاری مهمان او بودیم. از من خواست درباره‌ی «درخت آبنوس» اطلاعاتی برای او جمع‌آوری کنم. پرسیدم چرا آبنوس؟ گفت: «این لغت در شاهنامه‌ی فردوسی ده‌ها بار آمده. شیدهام درختی زیباست که سخت‌ترین چوب دنیا را دارد؛ چوبی تیره‌رنگ و براق دارد و چند برابر سخت‌تر از بلوط است. می‌گویند تنها چوبی است که به دلیل چگالی بالا ته آب می‌رود و از چوب آن برای ساختن ساز استفاده می‌کنند.» گفتیم: «تاری عزیز، آبنوس بومی مناطق گرم و مرطوب و درختی همیشه‌سبز است، بعید می‌دانم در یخبندان و زمهریر این منطقه دوام بیاورد.» تأسف خورد و گفت: «می‌خواستم اثری به یاد فردوسی در این باغ باشد.»

همان روز خبر فوت کسی را شنید که او را شوکه کرد. انشه‌گین شد، دل و دماغ خواندن نداشت. گاه در چنین لحظاتی، وقتی کودک درون غالب می‌شد، ترانه‌ی لکی «**ای بی‌نا بی‌نا**» را می‌خواند. اما آن روز، نوعی غم و حرمان فلسفی وجودش را فراگرفت. گفت: «با باران چه می‌کنی؟» این اسم رمز ما بود؛ برای موضوعی که می‌دانست برای من مهم است. و اشاره او به مجموعه‌ی شعر منتشرشده‌ی من با عنوان «**۵۳ ترانه برای باران**» بود. گفتیم: «هیچی، فعلاً با نوشتن زاری می‌کنم!»

او که یکی از گنجینه‌های کن‌نظیر شعر لکی و لری بود، تکبیتی خواند که آتش در نیستان افکند و گفت: **مثل ملاحسن زاری** کن: «چغهی کوش‌کُت توژ درپاکت / شو زقوم کشم ار وعده‌جاکت»

(ترجمه‌ی لفظی: حسرت شنیدن صدای کفش‌هایت، دین‌گرد و خاک مسیر روی دامت، در زمهریر این وعده‌گاه شبانه مرا کشت). دوباره به درستی قول لوران رسیدم: **گفتمان‌هایی هست که ما را می‌کشند**. و شعر هم یکی از آن‌هاست! حس کردم دوست دارد تنها باشد؛ او را تنها گذاشتم تا با غم خود خو کند.

«خاطرات اسید و آبنوس»

گفت:

اگر دیدی دست و پام را گم می‌کنم

به لکنت می‌افتم

داغ می‌شوم

سرد می‌شوم

و چون آینه‌ای لال در دستان تو می‌درخشم

پس از آن مفاهیم مقدس است. رفتار قلعه‌نویی بازتابی

از فرهنگ مدیریتی حاکمیت است فرهنگی که

و تو جمم مکن!

بگذار از رنج تو فرو پاشم

بگذار چون آینه‌ی زنگار گرفته

در تندباد خاکسترهای این قرن پراش پراش شوم و باران‌های بومی کبوده مرا پاک کند

که تازی تو بنوم!

دور شو و تنهایم بگذار

بگذار کمی برای «باران» و «سیامک» گریه کنم. *****

تاری هر که بود و هر چه کرد، در میان کسانی که او را می‌شناختند، خوش‌مشرب و خوش‌خلق و محبوب و دوست‌داشتنی بود. برای کسانی که در شاید روزگار به داشتن رسید، برای اختلافات قومی پیچیده‌ای که به دلیل وجهتش حل و فصل کرد، برای دل‌های جوانی که به هم پیوند داد، و اشک و عرقی که با آستین خود از سیمای دیگران سترده، حتا برآی کسانی که سربوکاری با او نداشتند، شریف و محترم و یگانه بود.

او یکی از معدود آدم‌های هر نسلی بود که به‌راستی بارِ نسل خود را بر شانه‌های مجروح حمل می‌کند.

این مجموعه آهنگ‌ها می‌دانم.

درگذشت این عزیز از دست‌رفته را به همسر گرامی، فرزندان عزیزش: شهریار، خسرو و میهن خانم و هم‌چنین به دوستان و بستگانش به‌ویژه محمدحسین آزادبخت که نام او با نام تاری در خاطر من تن و جانی واحد دارند، صمیمانه تسلیت می‌گویم.

بدردی ای مرد میهن‌پرست جان بر کف؛

بدردی ای دوستِ صبور و بی‌ادعا؛

بدردی ای عزیز پرتلاش لریز از شوق و امید؛ بدردو!

علی‌اکبر شکارچی

چهاردهم تیرماه ۱۴۰۵

دوشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۵

یادداشت



وقتی شکست را عزت می‌نامند

جعفر ساکی

نقدی بر مدیریت تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶

حضور تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ میلادی با سه مسابقه مقابل تیم‌های نیوزیلند، بلژیک و مصر آغازگردید سه دیداری که همگی با نتیجه مساوی به پایان رسید و همین امر شانس صعود ایران را به مجموعه‌ای از اما و اگرهای پیچیده وابسته کرد. ستاره‌بهایی که باید در سایر گروه‌ها رخ می‌داد تا ایران بتواند از مرحله مقدماتی عبور کند، اما هیچ‌کدام از آن احتمالات محقق نشد و تبسم ملی ایران از رقابت‌ها کنار رفت. این‌حکم در حالی رخ داد که در قاره آسیا، پس از ناکامی تیم کره جنوبی در همین جام جهانی ۲۰۲۶ سرمربی این تیم با پذیرش مسئولیت شکست، از مردم عذرخواهی کرد و استعفا داد رفتاری که نمونه‌ای روشن از مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای و احترام به افکار عمومی است.

اما در ایران ماجرا شکل دیگری داشت. سرمربی تیم ملی، امیر قلم‌نویس، در واکنش به نتایج نته‌تها مسئولیت شکست را نپذیرفت، بلکه در اظهاراتی متناقض، حُف تیم را یک‌بار خواست خدا و بار دیگر عرتی از جانب خدا توصیف کرد. این سخنان برای افکار عمومی بیشتر شبیه یک طنز تلخ بود تا تحلیل فنی یا مسئولانه. در یک مصاحبه گفت کار را به خدا واگذار کردیم و در مصاحبه‌ای دیگر اظهار داشت این نتایج عزت خدا بود که نصیب ما شده، بی‌آنکه کوچک‌ترین اشاره‌ای به ضعف‌های تاکتیکی، اشتباهات مدیریتی، یا تصمیمات نادرست در ترکیب تیم داشته باشند. این نوع بیان، بازتابی از ساختار مدیریتی حاکم بر فوتبال ایران است ساختاری که در آن مسئولیت‌پذیری جای خود را به توجیه، فرافکنی و نسبت دادن نتایج به عوامل موارایی می‌دهد. از منظر جامعه‌شناسی، این رفتار تنها یک مسئله فردی نیست، بلکه ریشه در فرهنگ مدیریتی دشمن یا خواست خدا نسبت می‌دهند. این نوع تقدیرگرایی، ابزاری برای توجیه ناکامی‌هاست و به‌جای تحلیل علمی و فنی، شکست را به نیروهای موارایی جواله می‌دهد. در فوتبال، این یعنی به‌جای بررسی ضعف در برنامه‌ریزی، مدیریت، تمرینات یا انتخاب بازیکنان، همه چیز به خواست خدا نسبت داده می‌شود. چنین رفتاری نوعی بی‌احترامی به افکار عمومی است زیرا وقتی سرمربی تیم ملی که یک مبارزداستان از جیب مردم دریافت می‌کند، شکست را عزت خدا می‌نامد، در واقع به مردم می‌گوید که حق انتقاد ندارند و باید نتیجه را مقدس و غیرقابل بحث بدانند.این نوع بیان، تلاشی برای کنترل افکار عمومی و خاموش کردن انتقاده‌ا با استفاده از مفاهیم مقدس است. رفتار قلعه‌نویی بازتابی از فرهنگ مدیریتی حاکمیت است فرهنگی که در آن مدیران به‌جای پاسخ‌گویی، شکست‌ها را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. فوتبال ایران نیز از همین الگو پی‌روی می‌کند و این فرهنگ در آن بازتولید شده است. مردم ایران به‌زنه‌های سنگین فوتبال ملی را می‌پردازند و انتظار دارند مسئولان ورزش، به‌ویژه سرمربی تیم ملی، پاسخ‌گو، شفاف و مسئولیت‌پذیر باشند. نسبت دادن ناکامی‌ها به خداوند، آن هم در شرایطی که ضعف‌های مدیریتی و فنی کاملاً قابل‌تعمیل است، نه تنها کمکی به فوتبال ایران نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز خدشه‌دار می‌سازد.

فوتیبال ایران زمانی پیشرفت خواهد کرد که مدیرانش به‌جای توجیه، مسئولیت نتایج را بپذیرند و به مردم احترام بگذارند نه اینکه شکست را عزت خدا بنامند و از زیر بار پاسخ‌گویی شانه خالی کنند. این طنز تلخ که در رفتار و گفتار سرمربی تیم ملی در جام جهانی ۲۰۲۶ دیده شد، بیش از آنکه یک اتفاق ورزشی باشد، نشانه‌ای از یک مشکل ساختاری در مدیریت کشور است مشکلی که تا زمانی که اصلاح نشود، نه فوتبال ایران و نه هیچ حوزه دیگری به جایگاه واقعی خود نخواهد رسید.

ادامه از صفحه۲ی

مستندنگاری

ماجراهای من و سیاست

و تا جمع و جور شدند یک روز از تبلیغات انتخابات گذشته بودا برای اصالح طلبان پل‌دختری که با موانع و مشکلات بی‌شماری برای پیروزی بر حریف روبرو هستند راه و چاه تازه و متفاوت تری از سایر نقاط استان نیاز هستا تا روزی که این دوستان به این نتیجه نرسند ایشان همیشه در این کُرت باقی خواهد می‌ماند!

ادامه دارد....



راوی شش آهنگ از نغمات «هفتاد نغمه در برابر باد» بود که این‌جانب با آواز همراه کناد و سیدی منتشر نمودم. انتخاب اشعار، ترجمه اشعار، بازبینی شعر و موسیقی لکی مجموعه‌ی